

رتبه اول علوم تجربی

گفتگو با مریم ابوالحسنی

در کنکور سراسری سال ۱۳۷۱

همانگونه که در بخش اخبار شماره قبل ملاحظه نمودید، ۶ نفر از ۶ دانش آموز ممتاز گروههای ریاضی - فیزیک و تجربی کنکور سراسری امسال (۱۳۷۱) از دو مرکز فرزندگان و علامه حلی تهران سازمان بودند. در اینجا پاسخهای خانم «مریم ابوالحسنی» شاگرد اول کنکور علوم تجربی سال ۱۳۷۱ از مرکز آموزشی فرزندگان تهران را به سؤالات همکارانمان خانمها «سجادی» و «حیدر زاده» از این مرکز - با کمی اصلاحات عبارتی - ملاحظه می کنید.

○ شما شاگرد اول کنکور تجربی سال ۱۳۷۱ هستید، برای خوانندگان ما بگویید از چه موقع و چگونه برای «کنکور» درس خواندید؟

ابوالحسنی - درس خواندن برای کنکور طرز خاصی ندارد و نحوه جدیدی از درس خواندن هم نیست که من بتوانم بگویم از «چه موقع» برای کنکور درس خوانده‌ام ولی از ابتدای تابستان پس از امتحانات خرداد سال سوم به طرز منسجم تری درس خواندم را ادامه دادم. قبل از سال چهارم قسمت اصلی درس خواندنم در مدرسه بود و در خانه نسبت به مدرسه درس کمتری می خواندم ولی در سال چهارم از بعدازظهرها و روزهای تعطیل هم استفاده بیشتری می کردم به طوری که برنامه و کار درسی ام در خانه خیلی بیشتر از مدرسه بود.

○ در دوران دبیرستان چگونه درس می خواندید؟

ابوالحسنی - من در دوران دبیرستان همیشه درسم را با نظم خاصی دنبال می کردم و سعی اصلی ام این بود که هماهنگی ام را با کلاس و معلم از دست ندهم، یعنی تلاش و سعی آرام و پیوسته‌ای در طول دوران تحصیلم داشته‌ام و درس خواندن مهمترین برنامه و کارم در این چند سال بوده است.

○ آیا بعد از کنکور انتظار این نتیجه را داشتید؟

ابوالحسنی - بعد از آزمون مرحله اول می دانستم که نتیجه خوبی خواهم داشت ولی تصور «دوم» شدن را نداشتم چون سؤالات درسهای اختصاصی مرحله اول مشکل و درصدها در مقایسه با سال گذشته پایینتر بود. به همین دلیل حدس زدن موقعیتم در بین کل شرکت کننده‌ها برایم ممکن نبود ولی همین قدر می دانستم که رتبه‌ام حدوداً بین پنجاه نفر اول است. بعد از مرحله دوم هم فکر می کردم که جزو ده نفر اول باشم ولی اول شدن را نمی توانستم تصور کنم چون درصدهای ده نفر اول به قدری نزدیک بهم است که واقعاً تا قبل از اعلام نتایج کسی نمی تواند رتبه خود را حدس بزند.

○ چرا از رشته ریاضی به تجربی تغییر رشته دادید؟

ابوالحسنی - در سال چهارم از رشته ریاضی به تجربی، تغییر رشته دادم. البته من از ابتدای دوران تحصیلم علاقه خاصی به درس «ریاضی» داشتم. در دوره راهنمایی و اول نظری علاقه ام به این درس بیشتر شد بطوری که در ابتدای سال دوم نظری، هنگامی که در دو راهی انتخاب تجربی و ریاضی قرار گرفتم، «رشته ریاضی» را انتخاب کردم، ولی از همان ابتدا، به علت علاقه‌ای که به رشته پزشکی داشتم شک و تردید زیادی در ادامه دادن ریاضی داشتم. به هر حال وقتی در رشته ریاضی بودم به اندازه یک دانش آموز مصمم به ادامه درس ریاضی توجه داشتم و سعی می کردم وقت بیشتری را به این درس اختصاص بدهم،

هم بخاطر خود ریاضی و هم به دلیل کمکی که ریاضی به روشن شدن فکر و قوی شدن اندیشه می کند و در نتیجه در مطالعه درسهای دیگر، دید جدید و دقت بیشتری به دانش آموز می دهد. ریاضی خواندن به فکر کردن انسان کمک می کند و کم کم اندیشه ریاضی که در ذهن به وجود می آید، در برخورد با هر مشکل و موضوع جدیدی، فرض و حکمی درست می کند که در نگرش به مطلب و حل آن خیلی کمک می کند. ریاضی خواندن به من همین کمک را کرد بطوریکه وقتی بالاخره بر ایند عواملی مثل علاقه خودم و تأکید خانواده و جو جامعه، رشته تجربی را برایم انتخاب کرد، حتی در خواندن درس زیست شناسی کمتر با مشکل روبرو بودم. چون تمام مطالب زیست شناسی را مثل ریاضی با نظم و استدلال می خواندم یعنی اساس زیست شناسی خواندنم با ریاضی و حل کردنم تفاوتی نداشت. به هر حال اگر کمکی را که ریاضی خواندن به قوی شدن خود درس ریاضی ام کرد، در نظر نگیریم، ریاضی اندیشیدن و برخورد ریاضی داشتن با مسائل از مهمترین عوامل موفقیت بود.

○ آیا از معلم خصوصی و کلاس کنکور استفاده کردید؟

ابوالحسنی - معلم خصوصی هیچوقت نداشته ام ولی هنگام تغییر رشته از ریاضی به تجربی به کلاس زیست شناسی رفته ام. من فکر می کنم با گرد آمدن بهترین دبیران در مدرسه، کوچکترین احتیاجی به معلم خصوصی و کلاس کنکور نیست و اصولاً عقیده دارم بعد از اینکه دانش آموز در کلاس یا به پای معلم جلو آمد و در درس همراه معلم بود، کار و تلاش خودش، مؤثرترین کمک را به یادگیری اش می کند. اگر دانش آموز با توجه به شرایطی که دارد، برای استفاده از وقتش برنامه ریزی دقیقی بکند و درسهایش را به طور مستمر و پیوسته تمرین کند، کمبودی برایش باقی نمی ماند که به معلم خصوصی احتیاجی داشته باشد و اگر از کلاس درس و معلمش در مدرسه نتواند استفاده کند و خودش هم اهل تمرین و کوشش برای مهارت در درس نباشد و روحیه جستجوگر علمی نداشته باشد، معلم خصوصی و کلاس کنکور هم معجزه ای برایش نمی کند.

○ آیا اضافه بر کتب درسی مطالعاتی داشتید و از تستهای مختلف استفاده کردید؟

ابوالحسنی - بله. علاوه بر کتابهای درسی از کتب دیگر علمی نیز استفاده کردم ولی مطالعه این کتابها را کار اضافه تری بر برنامه ریزی درسی نمی دانم. به نظر من اگر در هنگام تحصیل از منابع کمک درسی و کتابهای علمی مربوط به درسمان استفاده نکنیم، کتاب درسیمان را درست مطالعه نکرده ایم چون بسیاری از مطالب در کتاب اشاره مختصری به آن شده است، در نتیجه برای فهم بهتر مطلب حتماً نیازمند استفاده از منابع دیگر هستیم. در سال چهارم برای تست، بیشتر از کتابهای معتبر دیگری مثل کتابهای سنجش و مبتکران استفاده کرده ام.

○ مدرسه چه نقشی در موفقیت شما داشته است؟

ابوالحسنی - بطور کلی مدرسه نقش مهمی در موفقیت کسانی که در کنکور قبول می شوند، دارد. در مورد مدرسه ما، این نقش خیلی مؤثرتر است. در مدرسه ما مجموعه دبیرانی گرد آمده اند که سطح علمی بسیار بالایی دارند. بطوری که ما مشکلی از این لحاظ نداشتیم و مهمتر از آن دلسوزی و نگرانی همیشگی آنها برای موفقیت ما بود. مخصوصاً تلاش و زحمات معلمان در سال چهارم بیشتر مشخص شد به طوری که زحمتی که برای ما می کشیدند از تلاشی که خود ما برای موفقیتیمان می کردیم، کمتر نبود و همان دلهره ها و اضطرابی که ما داشتیم آنها هم پشت سر گذاشتند. در واقع معلمان و بطور کلی کادر مدرسه پا به پای ما نگرانی های کنکور را طی کردند و همراه ما کنکور دادند.

مسئله دیگر جو مدرسه است که جو پویا و درس خواندن است و همیشه بچه ها در تب و تاب درس و یادگیری هستند و همین جو باعث گشت که هر روز آدم بیشتر پیشرفت کند و انگیزه درس خواندن قویتر شود. به نظر من در مدرسه ما با کادر آموزشی و محیط مناسبی که دارد، طبیعی ترین راه برای یک دانش آموز درس خواندن و پیشرفت کردن و موفق شدن است.

○ نقش خانواده را در موفقیت خودتان چگونه ارزیابی می کنید؟

ابوالحسنی - خانواده نقش مهمی در موفقیت هر فرد دارد. من در درجه اول تأکیدی که پدر و مادرم در ادامه تحصیل من

داشتند و در واقع خواسته اصلی شان از من را درس خواندن می دانستند، مهمترین کمک آنها به موفقیت من می دانم چون همین توجه و علاقه آنها باعث می شد که من با جدیت بیشتری درس بخوانم. در درجه دوم محیطی که برایم در خانه ایجاد کرده بودند و سعی کرده بودند تا حد امکان محیط آرام و مناسبی باشد، مؤثر می دانم. پدر و مادرم مثل اولیاء مدرسه در سال چهارم توجه بیشتری به من داشتند و بیشتر نگران موفقیت من بودند به طوری که من هیچوقت خودم را در درس خواندن و تلاشی که می کردم تنها نمی دانستم و آنها را همیشه در این راه همراه خود می دیدم.

○ چه توصیه ای به دانش آموزان سالهای پایین تر دارید؟

ابوالحسنی - از آنها می خواهم که از کلاس درس و معلم بیشترین استفاده را بکنند. در کلاس همواره همراه معلم باشند و هیچوقت از مسیر درس در کلاس خارج نشوند و از بحث در مورد مطلبی که می خواهند یاد بگیرند، کوتاهی نکنند. مخصوصاً توجه زیادی به اهداف و مفاهیم داشته باشند، هر درسی را منطقی و مستدل بخوانند تا به نحو پایدار تری در ذهنشان جای بگیرد، از مسائل و کتابهای اضافی غافل نباشند و استفاده از آنها را جزیی از برنامه درسی شان بدانند. در خانه برای درس خواندنشان برنامه داشته باشند تا از زمانی که صرف درس خواندن می کنند، استفاده بیشتری بکنند و همواره در نظر داشته باشند که سعی و تلاش پیوسته خودشان مؤثرترین عامل پیشرفتشان است.

○

○

○

